



سطح‌بندی میزان توسعه یافتگی اجتماعی-اقتصادی استان خراسان شمالی با استفاده از مدل تاپسیس

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۹/۱۸ | تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۲۷

بهار منوچهری

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
Bahar.manoochehri@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

اسماعیل شیعه

استاد شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
Es_shieh@iust.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: برنامه‌ریزی منطقه‌ای یکی از مباحث مهم و از ضروریات توسعه مناطق است که در دهه‌های اخیر از سوی پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است. یکی از روش‌های مختلف درجه‌بندی مناطق از نظر توسعه یافتگی به کارگیری شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی و استفاده از مدل تاپسیس می‌باشد.

در این مقاله با بهره‌گیری از روش فوق به مطالعه و ارزیابی میزان توسعه یافتگی اجتماعی-اقتصادی شهرستان‌های استان خراسان شمالی پرداخته می‌شود و با تعیین درجات توسعه هر یک از شهرستان‌ها، تشخیص جهت و نوع توسعه نیز امکان‌پذیر می‌شود. نتایج این تحقیق می‌تواند برای تصمیم‌سازی مسئولان مؤثر واقع شده و در نهایت، توسعه عدالت اجتماعی را محقق سازد.

روش پژوهش: روش پژوهش جهت تبیین وضع موجود و استدلال و تجزیه و تحلیل مفاهیم مورد استفاده، مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است که در یک کلیت منطقی در قالب فرآیند علمی پژوهش صورت می‌پذیرد. به منظور تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مورد مطالعه، با توجه به اهمیت شاخص‌ها، ابتدا شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مرتبط با موضوع پژوهش بر اساس اطلاعات استخراج شده از سالنامه آماری ۱۳۹۰ جمع‌آوری شده، آن‌گاه با بهره‌گیری از مدل تاپسیس رتبه شهرستان‌ها تعیین گردیده و سپس نتایج، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: نتایج یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در سال ۱۳۹۲ شهرستان بجنورد دارای رتبه نخست به لحاظ میزان توسعه یافتگی است. این شهرستان به دلیل مرکزیت اداری-سیاسی به عنوان قطب رشد منطقه، امکانات، خدمات و نیروی انسانی متخصص را از نواحی پیرامونی استان به سمت خود جذب کرده و به این ترتیب برتری آن بر ساختار فضایی استان حفظ شده است. همچنین شهرستان مانه و سملقان رتبه هفت را در بین هفت شهرستان کسب کرده است که بیانگر وجود تفاوت و شدت نابرابری در میزان بهره‌مندی از مواهب توسعه است.

نتیجه‌گیری: در این مطالعه به این نتیجه رسیده شد که رویکرد حاکم بر ساختار فضایی استان خراسان شمالی، الگوی توسعه مرکز-پیرامون است. حجم بیشتر سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و صنعتی را شهر بجنورد به عنوان مرکز استان از آن خود نموده است و مقدار اندکی از آن نصیب شهرستان‌های پیرامونی و مرزی استان می‌شود؛ بنابراین توجه به برنامه‌ریزی فضایی به منظور نیل به توسعه و پیشرفت متعادل منطقه‌ای، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

واژگان کلیدی: سطح‌بندی، توسعه یافتگی اجتماعی-اقتصادی، ساختار فضایی، مدل تاپسیس

مقدمه

از موضوعاتی که اخیراً در فرهنگ برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای مطرح گردیده ولی جایگاه آن هنوز در کشور ما به وضوح مشخص نشده، نابرابری توسعه نواحی است. این نابرابری‌ها که به دلایل متعددی چون دلایل تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی، دموگرافیکی و سیاسی ایجاد می‌شوند، رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی و مناطق را به دنبال دارند (منصوری ثالث ۱۳۷۵، ۴)؛ بنابراین اهداف کلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. برای دستیابی به اهداف یاد شده در هر جامعه‌ای به تهیه و تدوین و در نهایت اجرای برنامه‌های مختلف نیاز است، زیرا یکی از مهم‌ترین خصایص اقتصاد پویا و سالم، توزیع مناسب و عادلانه امکانات و برنامه‌های توسعه در میان اکثریت جمعیت هر ناحیه و منطقه یا کشور است (زیاری و دیگران ۱۳۸۹، ۱۸).

یکی از روش‌های تعیین میزان نابرابری و شکاف میان نواحی، درجه‌بندی مناطق از نظر توسعه یافتگی و به‌کارگیری شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. در استان خراسان شمالینیز نابرابری و فقدان تعادل در توزیع بهینه‌ی امکانات و منابع با تمرکز امکانات و خدمات در نخست شهر مسلط ناحیه‌ای، واگرایی و شکاف توسعه بین نواحی را موجب شده است. هدف از این مقاله، مطالعه و ارزیابی میزان توسعه یافتگی اجتماعی-اقتصادی شهرستان‌های استان خراسان شمالی با بهره‌گیری از مدل تاپسیس و بررسی ساختار فضایی حاکم بر استان می‌باشد. با تعیین درجات توسعه هر یک از شهرستان‌ها، تشخیص جهت و نوع توسعه نیز امکان پذیر می‌شود.

بیان مسئله

بررسی شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی یکی از مؤلفه‌های مهم پدیده توسعه یافتگی است. در ایران نابرابری و فقدان تعادل در توزیع بهینه امکانات در اثر سیاست‌های غیر اصولی گذشته در مکان‌یابی‌های صنعتی و خدماتی و قطب‌های رشد و روند تمرکزگرایی در شهرهای مسلط ناحیه‌ای و عدم تعادل فضایی بین سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی یکی از مسائل مهمی بوده که در اثر عوامل گوناگون، تحت تأثیر جریانات حاکم بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده است (حسین زاده دلیر ۱۳۸۰، ۹۰). نتیجه آن عدم

توزیع بهینه امکانات، رفاه و ثروت، از بین بردن برابری‌های نواحی، افزایش شکاف توسعه و از بین رفتن عدالت اقتصادی و اجتماعی و دوگانگی ناحیه‌ای بوده است. همچنین یکی از مباحث عمده و اساسی در حوزه برنامه‌ریزی توسعه آمایشی، مسئله توسعه موزون است که می‌تواند در قالب توسعه متعادل بخش‌ها و یا مناطق مطرح شود؛ اما پیش از تلاش برای اجرای هرگونه استراتژی رشد متعادل منطقه‌ای، لازم است تا ماهیت و الگوی تفاوت‌های منطقه‌ای در توزیع امکانات و خدمات توسعه و دسترسی به تسهیلات عمومی و کیفیت آموزش شناسایی شود تا بتوان چارچوب سیاست‌گذاری منطقه‌ای متوازن را ساماندهی و هدایت کرد. در راستای سیاست عدالت اجتماعی، به عنوان هدف محوری برنامه‌های توسعه کشور، لازم است که وضعیت مناطق مختلف از نظر نحوه توزیع خدمات و میزان برخورداری از شاخص‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی و زیربنایی بررسی شود و کمبودها و نارسایی‌ها برای برنامه‌های آینده توسعه در نظر گرفته شود (زیاری و دیگران ۱۳۸۹، ۷۶).

مطالعه حاضر جهت رسیدن به توسعه متعادل در سطح استان خراسان شمالی، در پی شناخت موقعیت و چگونگی توزیع امکانات توسعه در شاخص‌های انتخابی استان می‌باشد. برای نیل به این هدف با بهره‌گیری از مدل‌ها و روش‌های آماری، شاخص‌های توسعه بارگذاری شده، درجه و میزان توسعه یافتگی هر یک از نواحی مشخص می‌شود. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از روش تاپسیس که یکی از فنون خانواده تصمیم‌گیری چند معیار محسوب می‌شود، به سطح‌بندی و تعیین میزان توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان شمالی بپردازد. نتایج این تحقیق می‌تواند برای تصمیم سازی مسئولان مؤثر واقع شده و در نهایت، توسعه عدالت اجتماعی را محقق سازد.

کیفیت توسعه و زیرساخت‌های آن در اثر برنامه‌ریزی‌های نامطلوب و متمرکز گذشته مسائل عمده‌ای را در روند توسعه نواحی کشور ایجاد کرده است. ابعاد گوناگون و پیچیدگی ساختاری این موضوع یکی از تنگناهای اساسی در عرضه مدل مناسب برای توزیع اعتبارات به شمار می‌آید. به منظور حل مسائل ناشی از عدم تعادل‌های منطقه‌ای، گام نخست، شناخت و سطح‌بندی مناطق از نظر برخورداری در زمینه‌های اقتصادی، زیربنایی و ارتباطات، اجتماعی- فرهنگی،

بهداشتی-درمانی و آموزشی است (موسی پور میاندهی و استعلاجی ۱۳۸۹، ۱۱۹).

نحوه توزیع امکانات و خدمات، با بررسی تطبیقی شاخص‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی در مناطق مختلف نسبت به یکدیگر روشن می‌شود. شاخص‌ها می‌توانند وضعیت محدوده‌های مختلف جغرافیایی را از دیدگاه تطبیقی نشان داده و آن‌ها را از نظر امکانات و تنگناها رده‌بندی کرده و اولویت بخشند. بدین ترتیب با کمک گرفتن از این شاخص‌ها باید بتوانیم امکانات و توانایی‌های محدوده‌های مختلف را از دیدگاه‌های متفاوت نظیر بهره‌مندی از خدمات، زیربناها و فضاهای رفاهی و شغلی ارائه داده و ابزار لازم را برای تصمیم‌گیری و تعیین هدف فراهم کنیم (بهرامی و عطار ۱۳۹۰، ۲). از این رو ضروری است برنامه‌ریزان و طراحان با دیدی واقع بینانه علت وجودی دوگانگی‌ها را مورد توجه قرار دهند تا اهداف توسعه نواحی متناسب با امکانات و محدودیت‌ها تعیین گردیده و بهره‌برداری از امکانات و قابلیت‌های هر ناحیه با توجه به ویژگی خاص همان ناحیه به گونه‌ای بهینه و کارا صورت پذیرد (زیاری و دیگران ۱۳۸۹، ۷۸). در این راستا بررسی و شناخت وضعیت شهرستان‌ها، قابلیت‌ها و تنگناهای آن در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است. امروزه آگاهی از نقاط قوت و ضعف نواحی، نوعی ضرورت جهت ارائه طرح‌ها و برنامه‌ها محسوب می‌شود. به طوری که استفاده از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی می‌تواند معیار مناسبی برای تعیین جایگاه آن نواحی و همچنین عاملی در جهت رفع مشکلات و نارسایی‌های مبتلا به خود برای نیل به رفاه اقتصادی و سلامت اجتماعی جهت رسیدن به توسعه باشد.

فایده و هدف پژوهش

در اکثر کشورهای در حال توسعه یک یا دو منطقه و در نهایت چند منطقه وضعیت مناسب خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی-اجتماعی دارند و نقش عمده‌ای را در ایجاد درآمد و تولید ملی ایفا می‌کنند. این امر به بهای عقب نگه داشتن مناطق دیگر و افزایش شکاف و نابرابری بین مناطق و نواحی است (زیاری و دیگران ۱۳۸۹، ۱۸). می‌توان به جرأت اظهار کرد که چنین وضعیتی بر اکثر قریب به اتفاق مناطق و استان‌های مختلف ایران حاکم است و استان خراسان شمالی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در حقیقت اهمیت انتخاب این موضوع در این است که با شناخت دقیق ابعاد و زوایای گوناگون وضعیت موجود و شناسایی

عدم تعادل‌ها در استان مورد نظر، توجه برنامه‌ریزان را به اتخاذ سیاست‌هایی در جهت کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای جلب نموده و با توجه به توزیع صحیح امکانات و خدمات اجتماعی بر عدم تعادل‌ها غلبه کنیم.

با توجه به هدف اصلی این پژوهش مبنی بر وجود معیارهای چندگانه در ارزیابی گزینه‌های راهکار، به نظر می‌رسد مدل تاپسیس می‌تواند به بهترین شکل هدف این پژوهش را که رتبه‌بندی شهرستان‌های استان خراسان شمالی در بخش‌های مختلف توسعه که بر مبنای معیارهای علمی توسعه یافته است، برآورده سازد و در نهایت به مقایسه نسبی شهرستان‌ها با یکدیگر بپردازد. این روش با دارا بودن منطق ریاضی در رتبه‌بندی می‌تواند با استفاده از داده‌های موجود، اهداف مورد نظر را تحقق بخشد. مدل تاپسیس به عنوان یکی از اعضای خانواده MCDM^۱ یا تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره امروزه در رتبه‌بندی مفاهیم مختلف در علوم گوناگون جایگاه ویژه‌ای یافته است که مهم‌ترین دلیل آن را می‌توان منطق ریاضی و شفاف و نیز عدم مشکلات اجرایی آن دانست. استفاده از پاره‌ای فنون در این خانواده (مانند تحلیل سلسله مراتبی داده‌ها) نیازمند تعدیلاتی در رفت و برگشت و تبادل داده با متخصصان است که عموماً به علت دسترسی نداشتن به اطلاعات منجر به عدم روایی و پایایی تحقیقات می‌شود؛ اما روش تاپسیس به خاطر عدم مقایسه زوجی و استفاده از رتبه‌های دقیق کمی، این مشکل را مرتفع می‌سازد. به علاوه، تعدد معیارهای واحدهای مورد مقایسه نیز منجر به مشکلاتی در تصمیم‌گیری به وسیله عموم فنون می‌شود، که به هر حال این‌ها در مدل تاپسیس بروز نمی‌کند. در نهایت جبرانی بودن این مدل با هدف ارائه رتبه‌بندی معقول و متناسب با برداشت ذهنی متخصصان، توجیه‌کننده استفاده از این مدل قدرتمند است (زیاری و دیگران ۱۳۸۹، ۱۹).

در نهایت می‌توان گفت که در این پژوهش اهداف زیر دنبال می‌شود:

- آشنایی کامل با میزان توسعه یافتگی استان خراسان شمالی
- مقایسه نسبی شهرستان‌های استان از دیدگاه توسعه اجتماعی و اقتصادی با یکدیگر
- تأمین رفاه اجتماعی در سطح استان بر اساس روش‌های ضابطه‌مند

ادبیات پژوهش

معنای فراگیر توسعه تا دهه ۱۹۶۰، مترادف با ایجاد و تداوم رشد اقتصادی بود که اغلب با رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه سنجیده می‌شد. سیاست‌های مربوط به این نگرش درباره توسعه باعث گسترش فقر، افزایش فاصله عقب‌ماندگی، بی‌عدالتی شدید و افزایش شدید بیکاری شد. چنین نگرشی به مفهوم توسعه در دهه‌های بعدی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و کارشناسان مفهوم جدیدی از توسعه را مطرح کردند (تودارو، ۱۹۹۰، ۵۲). در اوایل دهه ۱۹۷۰، توسعه عادلانه و متکی به خود مطرح شد به این معنی که کشورها برای توسعه، به تقلید کورکورانه از انگاره توسعه کشورهای توسعه یافته نپردازند و کارشناسان نظریه توزیع مجدد و رهیافت تأمین نیازهای اساسی را مطرح کردند (تقوایی، ۱۳۸۲، ۱۷). رشد و توسعه پایدار، تازه‌ترین مفهومی است که از توسعه مطرح شده و طبق آن، کشورهای توسعه یافته موظف هستند برای حفظ محیط‌زیست انسانی، به تغییر فن‌آوری‌های تولیدی که ضد محیط هستند همت گمارند و از طرف دیگر کشورهای جهان سوم نیز موظف شده‌اند از رشد سریع جمعیت خود جلوگیری کنند (امین بیدخت، ۱۳۸۵، ۱۲).

پس از بررسی مفهوم توسعه، به بررسی نظرات گوناگون در خصوص توسعه یافتگی پرداخته شده است. در مطالعه حاضر آنچه که از نظریه میسرا برداشت می‌شود به بحث نگرش وی به توسعه برمی‌گردد. از نظر میسرا توسعه یعنی رفاه و رفاه یعنی بهبود کیفیت زندگی، به طوری که این کیفیت زندگی به صورت عادلانه بین تمام اقشار مردم توزیع شده باشد (میسرا، ۱۳۶۸، ۱۱۰). نظریه دیوید هاروی در باب عدالت منطقه‌ای نیز از نظریه‌های مطرح در مورد مفهوم توسعه واقعی است. از نظر وی نیاز، پایه و اساس توزیع عادلانه است و معتقد است که اگرچه نیازهای پایه انسانی در طول زمان تغییر پیدا می‌کنند ولی این نیازها در یک مقطع زمانی از یک سکونتگاه به سکونتگاه دیگر در یک جامعه فرق نمی‌کند (صرافی، ۱۳۷۷، ۱۴۵). نظام سلسله مراتب سکونتگاهی و نظریه مکان مرکزی معتقد به ایجاد شبکه‌ای سلسله‌مراتبی از مراکز عرضه کالا و خدمات، به عنوان سازمان فضایی بهینه می‌باشند. هدف این دیدگاه توزیع عادلانه فضایی با ایجاد مراکز خدماتی سلسله‌مراتبی است. گرچه در مطالعه حاضر هدف ما ارائه سلسله‌مراتب خدماتی برای سکونتگاه‌ها نیست ولی با توجه به اینکه این دیدگاه معتقد به توزیع عادلانه فضایی

در قالب سلسله مراتب سکونتگاهی است با توجه به هدف پژوهش حاضر، می‌تواند یکی از حلقه‌های چارچوب پژوهش را تشکیل دهد (هیگینز و ساویه ۱۳۸۸، ۱۷۰). نظریه فریدمن و هیلپورست از نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین نظریه‌ها در مطالعه حاضر است. نظریه‌های دیگری هم که در مطالعه حاضر به آن‌ها اشاره شده، همگی معتقد به توزیع فضایی عادلانه سکونتگاه‌ها، خدمات و امکانات اجتماعی هستند و وجه مشترک تمام آن‌ها، ایجاد تعادل فضایی، کاهش فقر و نابرابری و تأمین عدالت اجتماعی و منطقه‌ای است.

می‌توان گفت دیدگاه‌های گوناگون در زمینه توسعه برای رسیدن به هدف عدالت منطقه‌ای و رفع نابرابری، روش‌های متفاوتی را ارائه داده‌اند که در قالب دو نگرش کلی مطرح می‌شود:

۱- نگرش اول، توسعه عادلانه و موزون را در دو مرحله قابل اجرا می‌داند. مرحله اول توسعه ناموزون و رشد سریع یک قطب در منطقه صورت می‌گیرد و در مرحله دوم با تراوش آثار رشد به محیط پیرامون، عدم توازن حاصل از رشد یک قطب رفع خواهد شد و تعادل فضایی ایجاد خواهد شد.

۲- نگرش دوم، اعتقادی به رشد ناموزون اولیه ندارد و توزیع عادلانه اولیه را در قالب سلسله مراتب سکونتگاهی مطرح می‌کند از قطبی شدن مناطق جلوگیری کرده و جلو تمرکز و تحرکات جمعیتی را بگیرد.

به نظر می‌رسد باید نگرش اول به توسعه را با توجه به تجربیات عملی، شکست خورده تلقی کنیم. پیاده شدن چنین تفکراتی در کشورهای جهان سوم، نه تنها باعث تعادل فضایی این کشورها نشد بلکه مشکلات بسیار زیادی از قبیل تسلط و تقدم شهری، مهاجرت‌های شدید روستایی و مشکلات اجتماعی عدیده برای شهرهای بزرگ را به وجود آورد. ولی به نظر می‌رسد نگرش دوم به توسعه فضایی بهتر بتواند به اهداف توسعه فضایی عادلانه دست یابد.

تفکر اساسی مطالعه حاضر نیز بر پایه نگرش دوم از توسعه یعنی توزیع عادلانه منطقه‌ای البته بر مبنای شکل‌گیری ساختار فضایی متعادل بنا شده است که بر پایه چهار حلقه زنجیره چارچوب پژوهش، از میان دیدگاه‌های فوق استخراج شده است.

• حلقه اول بر مبنای برداشت از مفهوم توسعه شکل گرفته است و منظور ما از توسعه در این مطالعه یعنی بهبود کیفیت زندگی برای تمام مردم.

- حلقه دوم برابری انسان‌ها و نیاز یکسان افراد یک جامعه به خدمات پایه بر اساس دیدگاه دیوید هاروی.
 - حلقه سوم چارچوب فکری، نیاز به توزیع عادلانه فضایی خدمات در قالب سلسه مراتب سکونتگاهی است.
 - حلقه چهارم را می‌توان دیدگاه‌های ساختار فضایی فریدمن و هیلهورست دانست.
- در مجموع هم زمان با دیدگاه‌های مذکور، باید به اهداف برنامه‌های توسعه در زمینه عدالت اجتماعی و برابری مناطق و انسان‌ها از نظر برخورداری از امکانات اجتماعی توجه بیشتری داشته باشیم تا بتوانیم زندگی بهتر را نه فقط برای قشر خاصی از مردم، بلکه برای تمام مردم فراهم کنیم.

پیشینه پژوهش

تحقیقات زیادی درباره تعیین تفاوت‌های توسعه یافتگی واحدهای جغرافیایی کشور (استان‌ها، شهرستان‌ها و بخش‌ها) در سال‌های مختلف با استفاده از روش‌های گوناگون صورت گرفته است. در سایر کشورها نیز در خصوص سطح‌بندی مناطق مطالعاتی زیادی انجام گرفته است. بررسی تجارب جهانی در تحلیل عدم تعادل فضایی و سطح‌بندی درجه توسعه یافتگی نواحی گوناگون در ایران، راهگشای تفکر صحیح و استفاده از این تجارب در تدوین شاخص‌ها و متغیرهای قابل استفاده در پژوهش حاضر خواهد بود. پژوهش پیرامون وجود نابرابری فضایی میان ساکنین این مناطق و علل و عوامل آن، استفاده از فنون و مدل‌های مختلف در رابطه میزان توسعه یافتگی نواحی در مرحله به‌کارگیری روش و تحلیل توسعه یافتگی در نمونه موردی پژوهش، کمک شایانی به جهت‌دهی و سوگیری مطالعات نموده است.

ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، در مطالعه کلیه شهرستان‌های ایران، وجود عدم تعادل‌های منطقه‌ای را گزارش دادند (نصرالهی و دیگران ۱۳۹۰، ۶۵). تعدادی از مطالعات نیز توسعه صنعتی استان‌های کشور را با استفاده شاخص‌های منتخب بررسی کرده‌اند. بررسی توسعه صنعتی استان‌های کشور در پژوهش انجام شده توسط مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (۱۳۷۰) به روش امتیاز استاندارد شده، بررسی تغییرات سطوح توسعه صنعتی و تمرکز فعالیت‌های صنعتی در ایران طی دوره ۷۵-۱۳۵۵ توسط سلیمی فر (۱۳۸۱) به روش‌های تحلیل مؤلفه‌های اصلی و معیارهای پراکندگی و تمرکز مانند ضریب پراکندگی، ضریب

جینی، شاخص هرفیندال، بررسی تأثیرات توزیع فضایی فعالیت‌های صنعتی و پدیده تفاوت‌های منطقه‌ای توسط معصومی اشکوری (۱۳۸۳)، بررسی تمرکز و توزیع جغرافیایی صنعت در کشور توسط ختائی و همکاران (۱۳۷۹) طی دو مقطع ۱۳۵۵ و ۱۳۷۷ بر اساس شاخص هرفیندال و تاکسونومی عددی نمونه‌ای از این گونه مطالعات هستند (عبدالله زاده و شریف‌زاده ۱۳۹۱، ۱۳). در سال ۱۳۷۹ برای اولین بار درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور با روش تحلیل عاملی توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وقت کشور انجام شده و رتبه استان‌ها و درجه توسعه هر کدام مشخص شده است. در سال ۱۳۸۵ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مازندران ضمن بررسی سطح توسعه استان‌های کشور با روش شاخص‌های برگزیده؛ معتقد است که نابرابری‌های توسعه بین استان‌های کشور در آینده افزایش خواهد یافت (زیاری و دیگران ۱۳۹۰، ۲۴). در طرح کالبدی ملی ایران که در اوایل دهه هفتاد در مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی انجام گرفت، با الگوبرداری از طرح مطالعات و استراتژی آمایش سرزمین (ستیران) شاخص‌های جمعیتی سال ۱۳۷۰، با استفاده از مدل تحلیل عاملی، تلفیق و سطح‌بندی درجه توسعه یافتگی شهرهای کشور انجام گرفت (پوراحمد و دیگران ۱۳۸۳، ۱۱).

در سایر کشورها، مک گراناها^۲ (۱۹۷۲)، در پژوهشی با استفاده از ۷۳ شاخص که شامل ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی است، با لگاریتم گیری متغیرها، به روش «نقاط مرتبط» کشورها را رتبه‌بندی کرده است. یافته‌های این پژوهش همبستگی داخلی نسبتاً بالا میان این شاخص‌ها را نشان می‌دهد (نصرالهی و دیگران ۱۳۹۰، ۶۶). فدروف^۳ در سال ۲۰۰۲، نیز در مطالعه خود رشد نابرابری منطقه‌ای در روسیه را برجسته کرده است (حسینی و اسکندری ۱۳۷۹، ۲۳). در مطالعه‌ای دیگر در چین، دانگ و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از تحلیل خوشه‌ای و GIS نسبت به ارزیابی سطح توسعه اقتصادی ۳۱ شهر در منطقه لانانگ چین اقدام نمودند. بیل و همکاران (۲۰۰۷) از تحلیل چندمعیاره بر اساس تحلیل‌های مکانی GIS استفاده نموده و عملکرد شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی در کانادا را مورد مطالعه قرار دادند و ایالت‌های کانادا را بر اساس عملکرد این شاخص‌ها طبقه‌بندی نمودند (فیضی زاده و دیگران ۱۳۹۱، ۳۴). هویی و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی عملکرد شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی را در توسعه

و اقتصادی مرتبط با موضوع پژوهش بر اساس اطلاعات استخراج شده از سالنامه آماری ۱۳۹۰ جمع‌آوری شده، آن گاه با بهره‌گیری از مدل تاپسیس رتبه شهرستان‌ها تعیین گردیده و سپس نتایج، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

تاپسیس به عنوان یک روش تصمیم‌گیری چند شاخصه، روشی ساده ولی کارآمد در اولویت‌بندی محسوب می‌شود. این روش را در سال ۱۹۹۲، «چن و هوانگ» با ارجاع به کتاب «یون و هوانگ» در سال ۱۹۸۱ مطرح کردند. الگوریتم فن «رتبه‌بندی بر اساس تشابه به حل ایده آل»، یک فن تصمیم‌گیری چند شاخصه جبرانی بسیار قوی برای اولویت‌بندی گزینه‌ها از طریق شبیه نمودن به حل ایده آل است که به نوع فن وزن دهی حساسیت بسیار کمی دارد و پاسخ‌های حاصل از آن تغییر عمیقی نمی‌کند. در این روش گزینه انتخاب شده بایستی کوتاه‌ترین فاصله را از جواب ایده آل و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب داشته باشد (پورطاهری ۱۳۸۹، ۱۱۷).

با توجه به هدف اصلی این پژوهش مبنی بر وجود معیارهای چندگانه در ارزیابی گزینه‌های راهکار، به نظر می‌رسد مدل تاپسیس می‌تواند به بهترین شکل هدف این پژوهش را که رتبه‌بندی شهرستان‌های استان خراسان شمالی در دو بخش توسعه اجتماعی و اقتصادی که بر مبنای معیارهای علمی توسعه یافتگی است، برآورده سازد و در نهایت به مقایسه نسبی شهرستان‌ها با یکدیگر بپردازد. این روش با دارا بودن منطق ریاضی در رتبه‌بندی می‌تواند با استفاده از داده‌های موجود، اهداف مورد نظر را تحقق بخشد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش به رتبه‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل تاپسیس پرداخته می‌شود. مراحل سطح‌بندی شهرستان‌های استان در مدل تاپسیس به شرح ذیل است:

۱- به دست آوردن ماتریس تصمیم

ماتریس مورد نظر دارای هفت گزینه که همان شهرستان‌ها و بیست شاخص که شامل شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی هر شهرستان است، می‌باشد.

سطح اقتصادی نواحی روستایی در انگلستان مورد مطالعه قرار دادند. راثو، محقق هندی، با تشریح قسمت‌های مختلف برنامه ۵ ساله پنجم هندوستان، در قالب توسعه شاخص‌ها به ارائه شاخص‌هایی برای برنامه‌ریزی توسعه می‌پردازد. وی ۶۴ شاخص را برای شناسایی مناطق عقب‌مانده و از بین بردن نابرابری‌های منطقه‌ای و زدودن فقر طبقات محروم ارائه می‌دهد (موسوی ۱۳۸۳، ۸۰).

معرفی محدوده مورد مطالعه

استان خراسان شمالی یکی از جدیدترین استان‌های ایران است که به نگین سرسبز شمال شرق ایران معروف است و حاصل تقسیم استان خراسان بزرگ در بهار ۱۳۸۳ و به مرکزیت بجنورد می‌باشد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰، استان خراسان شمالی دارای هفت شهرستان، هفده بخش، هجده شهر، چهل و دو دهستان و بیش از یک هزار روستای دارای سکنه می‌باشد. شهرستان‌های مانه و سملقان، اسفراین، جاجرم، فاروج، شیروان، بجنورد و گرمه در زمره شهرستان‌های این استان به شمار می‌آیند (مهندسین مشاور فجر توسعه، ۱۳۸۹ و www.nkhorasan.ir).

بر پایه گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰، جمعیت استان خراسان شمالی ۸۶۷۷۲۷ نفر بوده و این تعداد، ۱/۱۵ درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل داده است. متوسط رشد سالانه از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، ۱/۳۵ درصد است. نسبت شهرنشینی در این استان از ۴۸ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۵۱ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. همچنین پرجمعیت‌ترین شهرستان استان، بجنورد می‌باشد که جمعیتی برابر با ۳۶۵۸۹۶ نفر دارد. عمده فعالیت‌های اقتصادی استان در بخش کشاورزی می‌باشد که حدود ۴۴ درصد توزیع شاغلان اقتصادی را بر دارد و بخش‌های صنعت و معدن و خدمات نیز هر کدام ۲۸ درصد اشتغال را به خود اختصاص داده‌اند (سالنامه آماری استان خراسان شمالی، ۱۳۹۰).

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش جهت تبیین وضع موجود و استدلال و تجزیه و تحلیل مفاهیم مورد استفاده، مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی است که در یک کلیت منطقی در قالب فرآیند علمی پژوهش صورت می‌پذیرد. به منظور تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مورد مطالعه، با توجه به اهمیت شاخص‌ها، ابتدا شاخص‌های اجتماعی

جدول (۱): ماتریس تصمیم در مدل تاپسیس بر اساس شاخص‌های انتخابی

اسفراین	بجنورد	جاجرم	شیروان	فاروج	گرمه	مانه و سملقان
۴۰/۷۱	۳۹/۷۳	۴۰/۰۱	۳۸/۵۵	۴۴/۳۶	۴۲/۳۷	۴۲/۲۰
۹۰/۵	۸۹/۴	۸۸/۸	۸۶	۹۴/۴	۹۳/۵	۹۳/۶
۴۰/۷	۳۹/۷	۴۰	۳۸/۵	۴۴/۳	۴۲/۳	۴۲/۲
۱۰/۷	۱۰/۸	۱۳/۶	۷	۵/۴	۱۱/۱	۵/۹
۳۶/۴۵	۲۱/۵۰	۲۸/۸۱	۳۲/۴۱	۵۰/۹۲	۲۳/۹۵	۴۶/۵۸
۰/۰۱۱	۰/۰۱۷	۰/۰۰۷	۰	۰	۰/۰۶۰	۰/۰۱۸
۲۸/۸۱	۲۵/۷۹	۲۹/۵۳	۲۵/۵۸	۲۴/۰۸	۲۷/۳۹	۲۲/۴۴
۳۸/۵۵	۴۱/۶۱	۴۰/۵۴	۴۰/۹۵	۳۱/۴۷	۳۲/۱۳	۳۱/۷۰
۰/۳۴	۰/۱۳	۰/۲۸	۰/۲۱	۰/۲۰	۰/۲۸	۰/۱۸
۰/۲۶	۰/۱۶	۰/۳۲	۰/۲۵	۰/۲۲	۰/۲۲	۰/۲۰
۳/۲۹	۱/۵۵	۲/۰۷	۲/۳۸	۲/۲۸	۲/۴۶	۲/۴۵
۵۰/۳	۵۶/۶	۶۲/۶	۵۶/۹	۲۹/۷	۷۹/۸	۲۶/۹
۰/۴۳	۰/۲۶	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۳۹	۰/۴۴	۰/۴۳
۱/۷۲	۱/۴۲	۱/۴۴	۱/۵۶	۱/۱۹	۱/۷۳	۱/۴۸
۷۹	۸۱/۷	۸۱/۲	۸۰/۵	۷۵/۲	۸۴/۴	۷۷/۲
۷۳/۹	۷۶/۵	۷۷/۱	۷۶/۲	۶۹/۷	۸۱	۷۱/۶
۷۸/۹	۷۸/۷	۷۷/۲	۷۸/۴	۷۴/۸	۷۵/۷	۷۶/۸
۱/۱	۱	۱/۳	۱/۳	۱/۵	۱/۲	۱/۲
۰/۸	۰/۳	۰/۲	۰/۶	۰/۹	۰/۷	۰/۷
۱/۴	۰/۴	۲/۲	۰/۴	۱/۱	۱/۲	۰/۷

منبع: پردازش‌های پژوهش

۲- کمی کردن و بی مقیاس سازی ماتریس تصمیم این فرآیند سعی می‌کند مقیاس‌های موجود در ماتریس تقسیم می‌شود. بدین ترتیب در حقیقت به استاندارد کردن داده‌ها پرداخته‌ایم که از طریق فرمول

$$r_{ij} = \frac{X_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m X_{ij}^2}}$$

زیر صورت می‌گیرد:

۳- وزن دهی به ماتریس بی مقیاس شده در این مرحله از روش محاسبه وزن بر اساس نظرات داوران استفاده می‌کنیم. یکی از روش‌های محاسبه وزن برای شاخص‌های مورد نظر، استفاده از نظرات گروه پنل می‌باشد. در این روش، شاخص‌های مورد نظر را در اختیار گروهی از متخصصین فن قرار داده و از آن‌ها درخواست شده تا از طریق مقایسه شاخص‌ها وزنی مناسب بین ۱ تا ۹ به آن‌ها اختصاص داده شود و سپس میانگین وزن‌های تعیین شده برای هر شاخص به عنوان وزن آن شاخص در نظر گرفته می‌شود.

۴- تعیین راه حل ایده آل مثبت و راه حل ایده آل منفی در این قسمت بسته به نوع شاخص و اثرگذاری آن روی هدف تصمیم‌گیری، ایده آل مثبت و ایده آل منفی تعیین می‌شود. برای شاخص‌هایی که دارای تأثیرگذاری مثبت بر روی هدف مسئله می‌باشند، ایده آل مثبت، بیشترین مقدار آن شاخص خواهد بود. به طور مثال هر چه امتیاز نرخ اشتغال بالاتر باشد برای ما مطلوب تر است. به همین منوال برای شاخص‌هایی که دارای تأثیرگذاری منفی بر روی هدف مسئله می‌باشند، ایده آل مثبت، کمترین مقدار آن شاخص خواهد بود. به طور مثال هر چه نرخ بیکاری پایین تر باشد برای ما مطلوب تر است.

۵- به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی فاصله اقلیدسی هر گزینه از ایده آل مثبت و فاصله هر گزینه تا ایده آل منفی، بر اساس فرمول‌های زیر محاسبه می‌شود:

جدول (۴): تعیین نزدیکی نسبی به راه حل ایده آل در

شهرستان‌ها	CL
اسفراین	۰/۴۹۶۵۷۳
بجنورد	۰/۸۲۷۸۳۳
جاجرم	۰/۳۶۳۹۶۹
شیروان	۰/۵۰۳۴۵۸
فاروج	۰/۵۷۳۰۵۴
گرمه	۰/۴۴۷۰۸۲
مانه و سملقان	۰/۳۲۹۷۴۰

منبع: پردازش‌های پژوهش

۷- رتبه‌بندی گزینه‌ها

آخرین مرحله در روش تاپسیس رتبه‌بندی گزینه‌های پیش رو و تعیین بهترین گزینه می‌باشد. برای این منظور کافی است فاصله نسبی هر گزینه، به ترتیب بزرگ به کوچک مرتب شود. در این حالت گزینه‌ای که دارای بزرگ‌ترین فاصله نسبی نسبت به سایر گزینه‌ها می‌باشد، بالاترین رتبه را به خود اختصاص می‌دهد. در نهایت سطح‌بندی شهرستان‌ها به صورت جدول زیر درآمد:

جدول (۵): رتبه‌بندی شهرستان‌های استان خراسان

رتبه‌بندی بر اساس Topsis	شهرستان‌ها	CL
۱	بجنورد	۰/۸۲۷۸۳۳
۲	فاروج	۰/۵۷۳۰۵۴
۳	شیروان	۰/۵۰۳۴۵۸
۴	اسفراین	۰/۴۹۶۵۷۳
۵	گرمه	۰/۴۴۷۰۸۲
۶	جاجرم	۰/۳۶۳۹۶۹
۷	مانه و سملقان	۰/۳۲۹۷۴۰

منبع: پردازش‌های پژوهش

بدین ترتیب شهرستان بجنورد رتبه یک و مانه و سملقان رتبه هفت را در بین شهرستان‌های استان به دست آورده است. در بین شهرستان‌های محدوده مورد مطالعه نابرابری و ناهمگنی از نظر شاخص‌های انتخابی کاملاً مشهود است. بدیهی است که برخی شهرستان‌ها به لحاظ منابع حیاتی، نقاطی مستعد با قابلیت‌هایی فراوان هستند اما به دلیل برنامه‌ریزی‌های گاه غیراصولی و تخصیص ناعادلانه اعتبارات و امکانات توسعه، در انتهای طیف سطح‌بندی قرار گرفته‌اند. دلیل اصلی این امر به

$i = 1, 2, 3, \dots, m$

$$S_{i-} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad i = 1, 2, 3, \dots, m$$

$$S_{i*} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^*)^2}$$

در انتهای این مرحله برای هر یک از شهرستان‌ها دو مقدار (فاصله از ایده آل مثبت و فاصله از ایده آل منفی) خواهیم داشت. جدول زیر این مقادیر را نشان می‌دهد:

جدول (۲): جدول D+ در مدل تاپسیس

S MIN	SUM
۰/۰۶۰۲۰۲۴۹۲	۰/۰۰۳۶۲۴۲۴
۰/۰۱۹۹۸۰۹۴	۰/۰۰۳۹۹۲۳۴
۰/۰۸۵۶۳۶۲	۰/۰۰۷۳۳۳۵۶
۰/۰۵۷۱۹۲۲	۰/۰۰۳۲۷۰۹۵
۰/۰۹۴۰۷۶۹	۰/۰۰۸۸۵۰۴۸
۰/۰۸۷۰۴۹۴۶	۰/۰۰۷۵۷۷۶۱
۰/۰۸۶۵۷۱۴۷	۰/۰۰۷۴۹۴۶۲

منبع: پردازش‌های پژوهش

جدول (۳): جدول D- در مدل تاپسیس

S MIN	SUM
۰/۰۵۹۴۲۹۰۳	۰/۰۰۳۵۲۱۸۱
۰/۰۹۶۰۷۴۸۱	۰/۰۰۹۲۳۰۳۷
۰/۰۴۹۰۰۵۵	۰/۰۰۲۴۰۱۵۴
۰/۰۵۷۹۸۹۰	۰/۰۰۳۳۶۲۷۳
۰/۱۲۶۲۷۱۹۲	۰/۰۱۵۹۴۴۶
۰/۰۷۰۳۸۷۲۸	۰/۰۰۴۹۵۴۳۷
۰/۰۴۴۵۴۵۸۱	۰/۰۰۱۹۸۴۲۳

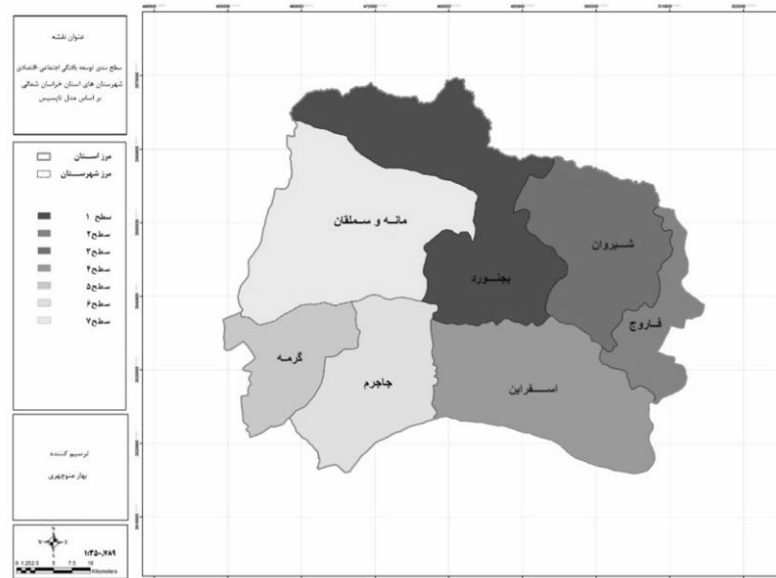
منبع: پردازش‌های پژوهش

۶- تعیین نزدیکی نسبی (CL) یک گزینه به راه حل ایده آل

بعد از یافتن فاصله‌های مثبت و منفی برای هر گزینه، فاصله نسبی گزینه‌های تصمیم‌گیری تعیین می‌شود که از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$CL_i = \frac{d_{i-}}{d_{i-} + d_{i+}}$$

این مقدار برای هر یک از شهرستان‌ها به قرار جدول شماره ۴ است:

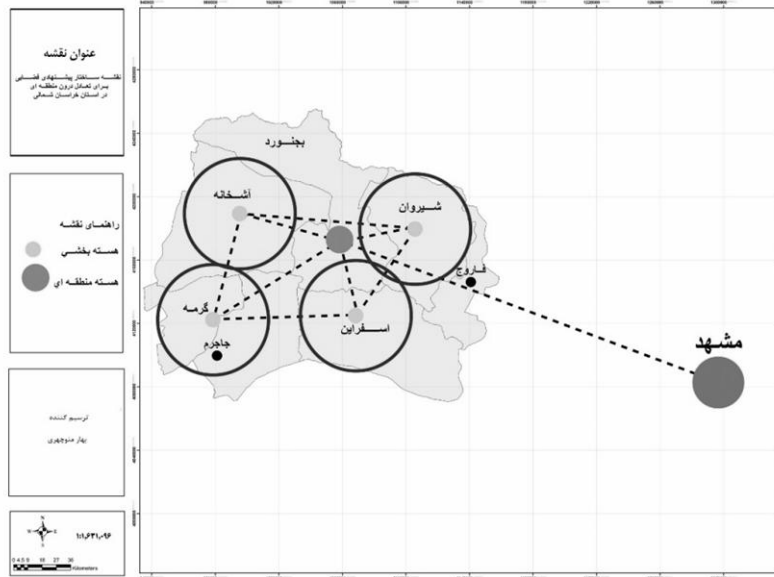


این میان، هم جواری این شهرستان‌ها با استان خراسان رضوی است. استان خراسان رضوی با مرکزیت مشهد به عنوان یکی از کلان شهرهایی که شاخص‌های توسعه یافتگی در آن بالا است، در میان سه استان خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی توسعه یافته تر است به همین دلیل هم جواری و نزدیکی به این ناحیه در بالا بودن شاخص‌های توسعه سه شهرستان فاروج، اسفراین و شیروان نیز بی‌تأثیر نبوده است.

از این میان شهرستان‌های مانه و سملقان و جاجرم (با اینکه هم مرز با مرکز استان هستند)، از لحاظ توسعه یافتگی جایگاه پایین تری دارند. همچنین با مطالعات صورت گرفته به این نتیجه رسیده شد که اختلاف توسعه یافتگی میان شهرستان‌ها از سال ۱۳۸۵، یعنی پس از تأسیس استان خراسان شمالی و با اضافه شدن شهرستان‌های جاجرم، فاروج و مانه و سملقان به استان که در مقاطع زمانی قبل تحت عنوان محدوده بررسی می‌شدند، بیشتر شده است.

اکنون با نگاهی به نظریات مطرح شده در چارچوب نظری پژوهش می‌توان به تشریح ساختار فضایی استان خراسان شمالی پرداخت. آنچه بدیهی به نظر می‌رسد رویکرد حاکم بر نظام و ساختار فضایی و حاکمیت الگوی توسعه در استان خراسان شمالی، مرکز-پیرامون است. حجم بیشتر سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و صنعتی را شهر بجنورد به عنوان مرکز استان از آن خود نموده است و سهم اندکی از آن نصیب شهرستان‌های پیرامونی و مرزی استان می‌شود. از این میان شهرستان‌های مانه و

کارگیری الگوهای توسعه با نگاه و رویکرد مرکزگراست به نحوی که در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای سکونتگاه‌های پیرامونی صرفاً نقش ناظر رشد و توسعه مرکز را ایفا می‌کنند. شهرستان بجنورد همان‌گونه که انتظار می‌رفت، به عنوان مرکز استان خراسان شمالی، در تحلیل نهایی وضعیت شهرستان‌ها در رتبه اول و سطح یک توسعه یافتگی قرار گرفته است. این شهرستان از نظر زیرساخت‌های اقتصادی در بخش صنعت (با توجه بیشتری نسبت به معدن) و وجود کارخانه‌ها بزرگ پتروشیمی با خط تولید کود اوره و کریستال ملامین و کارخانه سیمان، استان خراسان شمالی را در رتبه دهم استان‌های دارنده صنایع بزرگ در بین استان‌های کشور قرار داده است، همچنین این شهرستان در کریدور ارتباطی شمال به شرق کشور قرار دارد که سالانه بیش از ده میلیون مسافر از آن عبور می‌کنند، به همین دلیل این شهرستان در سطح اول توسعه یافتگی قرار گرفته است. رتبه‌های دو تا چهار شامل شهرستان‌های فاروج، شیروان و اسفراین است. شهرستان‌های مذکور از چند ویژگی مشترک برخوردار هستند. بر اساس مطالعات صورت گرفته، توزیع کارگاه‌های بزرگ صنعتی در این سه شهرستان در مقایسه با سه شهرستان دیگر از درصد بالایی برخوردار است. مساحت اراضی کشاورزی و زراعی در این سه شهرستان از سایر شهرستان‌ها بالاتر و تقریباً درصد مشابهی را شامل می‌شوند. همچنین شهرستان‌های بجنورد و اسفراین در مسیر راه‌آهن و اتصال به بازارچه‌های مرزی قرار دارند. نکته مهم دیگر در



سرمایه‌گذاری در دو شهرستان مذکور و شهرستان چارم صورت گیرد. در صورت تقویت این سه شهرستان انتظار می‌رود وضعیت اجتماعی محور غرب نیز بهبود یافته و در ارتباط با محور توسعه شرق استان، در قالب یک سیستم فضایی به بهبود شبکه سکونتگاهی بی انجامد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه اقتصاددانان طرفدار رشد متوازن در مناطق مختلف کشور، معتقدند که نظریه قطب رشد پویا نه تنها در کاهش و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای کشورهای توسعه نیافته موفق نبوده، بلکه باعث تشدید آن نیز شده است. از این روست که ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح به منظور رسیدن به توسعه متوازن توصیه می‌شود. مطابق دیدگاه این دسته از اقتصاددانان، هدف از توسعه متعادل باید ایجاد بهترین شرایط و امکانات برای توسعه جامعه در همه نواحی باشد و تفاوت‌های زندگی بین ناحیه‌ای بایستی به حداقل برسد و نهایتاً از بین برود. نخستین قدم در برنامه‌ریزی منطقه‌ای شناسایی وضع موجود آن مناطق است و این شناسایی خود مستلزم تجزیه و تحلیل بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. برای تخصیص اعتبارات و منابع میان مناطق مختلف، شناسایی جایگاه منطقه در بخش‌های مربوط و رتبه‌بندی سطوح بهره‌مندی از مواهب توسعه، ضروری است. در این مطالعه به این نتیجه رسیده شد که رویکرد حاکم بر ساختار فضایی استان خراسان شمالی، الگوی توسعه

سملقان و چارم (با اینکه هم مرز با مرکز استان هستند)، از لحاظ توسعه یافتگی جایگاه پایین تری دارند. در نظریه مرکز-پیرامون، از نظر فریدمن، انتخاب بخش‌های پیشتاز و کانون‌های رشد باید در قالب هسته ناحیه^۵ و بخش‌های هسته^۶ شکل گیرد و تشکیل یک زیر سیستم را بدهند. تشکیل این زیر سیستم باعث رشد روز به روز آن در بعد فضایی و بخشی می‌شود. حال با توجه به نتایج حاصل از سطح‌بندی می‌توان مراکز شهرستان‌های اسفرا'in، شیروان، مانه و سلقان و گرمه را به عنوان مراکز هسته در نظر گرفت. مراکز این شهرستان‌ها ویژگی‌های لازم برای تشکیل هسته بخش را دارند، زیرا هم در فاصله مناسبی از مرکز منطقه قرار دارند و هم توانایی لازم برای تشکیل هسته بخش را دارند. این توانایی برای هر شهرستان می‌تواند کشاورزی، صنعتی، معدنی و سایر ویژگی‌ها باشد. بر اساس ویژگی‌های فوق‌الذکر ساختار فضایی پیشنهادی برای منطقه مورد مطالعه به صورتی که در نقشه پیشنهادی آورده شده است می‌باشد.

در ساختار پیشنهادی بر اساس نتایج سطح‌بندی در مدل تاپسیس، می‌توان به این نتیجه رسید که ساختار فضایی شرق استان تا حدودی شکل گرفته و در حال حاضر فعال است ولی در سمت غرب استان دو هسته شهرستان‌های مانه و سملقان و گرمه در وضعیت مساعدی نیستند. دو شهرستان مذکور در سطح‌بندی توسعه در سطوح پایین قرار گرفتند و از شهرستان‌های مهاجر فرست استان هستند. برای شکل‌گیری ساختار فضایی متعادل در سطح استان پیشنهاد می‌شود اولویت

- ۳) پورطاهری، مهدی. (۱۳۸۹). کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در جغرافیا. تهران: انتشارات سمت.
- ۴) تقوایی، مسعود؛ و عبدالحسین احمدی. (۱۳۸۲). تعیین و تحلیل سطوح برخورداری مناطق روستایی شهرستان‌ها و بخش‌های استان کرمانشاه. فصلنامه روستا و توسعه. شماره ۲۲.
- ۵) تودارو، مایکل. (۱۹۹۰). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی. تهران: نشر موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- ۶) حسینی، سید یعقوب و اسکندری، آتوسا. (۱۳۷۹). رتبه‌بندی استان‌های کشور از حیث برخورداری از شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی. نشریه برنامه و بودجه. سال ۵، شماره ۱ و ۲.
- ۷) حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- ۸) زیاری، کرامت الله و دیگران. (۱۳۸۹). بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۲۲.
- ۹) زیاری، کرامت الله و دیگران. (۱۳۸۹). سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به روش (HDI). فراسوی مدیریت. سال ۳، شماره ۱۲.
- ۱۰) سالنامه آماری استان خراسان شمالی. (۱۳۹۰). فصل اول. مرکز آمار ایران.
- ۱۱) صرافی، مظفر. (۱۳۷۹). مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۲) عبدالله زاده، غلامحسین و شریف‌زاده، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران (کاربرد رهیافت شاخص ترکیبی). نشریه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. سال ۴، شماره ۱۳.
- ۱۳) فیضی زاده، بختیار و دیگران. (۱۳۹۱). سطح‌بندی توسعه اقتصادی-اجتماعی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی با استفاده از تحلیل‌های مکانی و قواعد تصمیم‌گیری GIS. فصلنامه فضای جغرافیایی. سال ۱۲، شماره ۴۰.
- ۱۴) موسی پور میانه‌دی، پری و استعلاجی، علیرضا. (۱۳۸۹). تحلیلی بر سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان بندر انزلی با تاکید بر مدل

- مرکز-پیرامون است. حجم بیشتر سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و صنعتی را شهر بجنورد به عنوان مرکز استان از آن خود نموده است و مقدار اندکی از آن نصیب شهرستان‌های پیرامونی و مرزی استان می‌شود؛ بنابراین برای کاهش شکاف میان شهرستان‌های استان خراسان شمالی پیشنهادهای ذیل مطرح می‌شود:
- توزیع سرمایه‌گذاری‌ها با یک نگرش سیستمی با توجه به ساختار فضایی و اولویت دادن به محور توسعه غرب استان.
 - ایجاد شبکه ارتباطی قوی بین هسته‌های بخشی در ارتباط متقابل با هسته منطقه‌ای.
 - متعادل تر نمودن الگوی فعلی توزیع امکانات و خدمات و تمرکززدایی از برخی شهرستان‌ها از جمله شهرستان بجنورد، جهت بهره‌مندسازی کلیه شهرستان‌ها از امکانات و خدمات و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه افراد از شهرستان‌های توسعه نیافته مانند گرمه، جاجرم و مانه و سملقان.
 - بازنگری در منطقه بندی سرزمینی با توجه به وضعیت فعلی شهرستان‌ها. مهم‌ترین معیارهایی که برای منطقه بندی جدید می‌توان در نظر گرفت عبارت‌اند از: شاخص جمعیت، همگنی طبیعی، همگنی فرهنگی، حوزه نفوذ مکان‌های مرکزی، روابط فاصله‌ای و تعادل بخشی سرزمینی.
 - از آنجا که هر شهرستان دارای فرصت‌ها، محدودیت‌ها و تخصص‌های ویژه خود می‌باشد یکی از مواردی که می‌تواند به کاهش نابرابری در سطح استان کمک نماید تخصص‌گرایی هر منطقه به منظور دستیابی به زمینه‌های رشد و توسعه و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای است.
 - ایجاد مناطق برنامه‌ریزی در سطح بین استان و شهرستان به جهت اینکه امکان اجرایی و عملیاتی شدن برنامه‌ها ساده‌تر انجام پذیرد.

منابع و مأخذ

- ۱) بهرامی، رحمت‌الله و عطار، خلیل. (۱۳۹۰). تحلیلی بر درجه توسعه یافتگی شهرستان استان آذربایجان غربی. چشم انداز جغرافیایی. سال ۶، شماره ۱۶.
- ۲) پوراحمد، احمد و دیگران. (۱۳۸۳). بررسی روند تغییرات توسعه یافتگی استان‌های کشور. نشریه پژوهش فرهنگی. سال ۸، شماره ۹.

- متغیرهای استاندارد شده. فصلنامه جغرافیایی سرزمین. سال ۷. شماره ۲۶.
- ۱۵) موسوی، میر نجف. (۱۳۸۳). سنجش درجه توسعه یافتگی نواحی ایران. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشکده جغرافیا. دانشگاه یزد.
- ۱۶) منصوری ثالث، محمد. (۱۳۷۵). ارزیابی توسعه یافتگی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۷) مهندسین مشاور فجر توسعه. (۱۳۸۹). طرح توسعه و عمران ناحیه خراسان شمالی.
- ۱۸) میسرا، آرپی. (۱۳۶۸). توسعه منطقه‌ای روش‌های نو. ترجمه عباس مخبر. تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- ۱۹) نصرالهی، خدیجه و دیگران. (۱۳۹۰). تحلیل مقایسه‌ای روش‌های رتبه‌بندی در اندازه‌گیری توسعه یافتگی (مطالعه موردی شهرستان‌های استان خوزستان). آمایش سرزمین. سال ۳. شماره ۴.
- ۲۰) هیگینز، بنجامین و ساویه، دونالد. (۱۳۸۸). نظریه‌های توسعه منطقه‌ای. ترجمه فاطمه بزازان. نشر نی.

www.nkhorasan.ir (۲۱)

یادداشت‌ها

- ¹ *Multiple Criteria Decision Making*
² *Mac Granaham*
³ *Fedorov*
⁴ *Rao*
⁵ *Core region*
⁶ *Core sectore*